

◆ واقعه غدیر و اهمیت آن

سرتاسر حیات طیبه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و لحظه به لحظه آن در نزد مسلمانان دارای اهمیتی بس شگرف و والاست؛ چرا که نه تنها کلام رسول اکرم به نص صریح آیات قرآن، عاری از هرگونه هوا و هوس و متصل به سرچشمه وحی است^(۲)، بلکه عمل و فعل آن بزرگوار نیز بر تک تک مسلمانان حجت است و صراط مستقیم را به عالمیان می نمایاند.^(۳) اما در این میان، مقاطعی خاص از زندگی آن بزرگوار، به جهات گوناگون از اهمیتی ویژه برخوردار می باشد که یکی از بارزترین آنها، واقعه غدیر خم است. واقعه غدیر از ابعاد مختلف و از جهات متفاوت، دارای درخشندگی و تلالؤ خاصی در تاریخ اسلام است. کمتر مقطع تاریخی را می توان در جهان اسلام یافت که از لحاظ سند، اطمینان از اصل وقوع، کثرت راویان و اعتماد بزرگان و علمای مسلمین، قوت و استحکامی نظیر این رویداد مهم داشته باشد.

هنگامی که به راویان حدیث غدیر می نگریم، در مرتبه نخست نام اهل بیت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یعنی امام علی (علیه السلام)، فاطمه زهرا

(سلام الله علیها)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) دیده

می‌شود و در مرتبه بعدی نام حدود ۱۱۰ تن از صحابه پیامبر اسلام^(۴) به چشم

می‌خورد که در این میان، نام افرادی شاخص از میان صحابه همچون:

- | | | | | |
|------------------------|----|---------------|----|---------------|
| ۱- ابوبکر بن ابی‌قحافه | ۲- | عمر بن الخطاب | ۳- | عثمان بن عفان |
| ۴- عایشه بنت ابی‌بکر | ۵- | سلمان فارسی | ۶- | ابوذر غفاری |
| ۷- عمار یاسر | ۸- | زبیر بن عوام | ۹- | عباس بن |

عبدالمطلب

- | | | | | |
|-------------|-----|-------------|-----|-----------------|
| ۱۰- ام سلمه | ۱۱- | زید بن ارقم | ۱۲- | جابر بن عبدالله |
|-------------|-----|-------------|-----|-----------------|

انصاری

- | | | |
|--------------|-----|-------------------|
| ۱۳- ابوهریره | ۱۴- | عبدالله بن عمر بن |
|--------------|-----|-------------------|

الخطاب

و ... توجه آدمی را به خود جلب می‌کند که تمامی آنان در محل غدیر حاضر بوده‌اند

و حدیث غدیر را بدون واسطه نقل نموده‌اند. سپس در میان تابعین^(۵)، حدیث غدیر از

۸۳ تن از تابعین نقل شده است که از جمله آنان می‌توان به:

۱- اصبع بن نباته

۲- سالم بن عبدالله بن عمر بن الخطاب

۳- سعید بن جبیر

۴- سلیم بن قیس

۵- عمر بن عبدالعزیز (خلیفه اموی)

و ... اشاره نمود.

پس از تابعین، در میان علمای اهل تسنن از قرن دوم تا قرن سیزدهم، ۳۶۰ تن، حدیث غدیر را در آثار خویش نقل نموده‌اند که ۳ تن از صاحبان صحاح سته (صحاح ششگانه)^(۶) و دو تن از پیشوایان فقهی اهل تسنن^(۷) نیز در شمار این بزرگان جای دارند.^(۸)

در بین محدثین و علمای شیعه نیز افراد فراوانی حدیث غدیر را در کتب مختلف، روایت نموده‌اند، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست. از این اندیشمندان می‌توان به:

۱- شیخ کلینی

۲- شیخ صدوق

۳- شیخ مفید

۴- سید مرتضی

و ... اشاره نمود.^(۹)

بنا بر آنچه که ذکر گردید، در میان بزرگان و محدثین اهل سنت و به دنبال دقت آنان بر روی راویان و طرق متفاوت نقل حدیث غدیر، اندیشمندان بسیاری، حدیث غدیر را حدیثی حسن^(۱۰)(^{۱۱}) و عده کثیری روایت غدیر را روایتی صحیح^(۱۲) دانسته‌اند^(۱۳) و حتی در نزد عده‌ای از بزرگترین صاحب‌نظران اهل تسنن، با توجه به شمار فراوان راویان و طرق متعدد نقل حدیث، که روایت غدیر دارد، آنرا حدیثی متواتر^(۱۴) ذکر نموده‌اند.^(۱۵) علما، بزرگان و محدثین شیعه نیز بالاتفاق، غدیر را حدیثی متواتر می‌دانند.^(۱۶)(^{۱۷})

بر این اساس و بر طبق آنچه که گذشت، به خوبی آشکار می‌گردد یکی از مهمترین وقایع تاریخ پرفراز و نشیب اسلام که در بین عامه مسلمانان، واقعه‌ای مسلم، پذیرفته شده و قطعی تلقی می‌گردد، واقعه غدیر خم است.

از منظری دیگر، آنچه که بر گونه غدیر، رنگ جاودانگی می‌زند؛ و اهمیت این واقعه را مضاعف می‌گرداند، نزول ۲ آیه از قرآن کریم، یکی آیه ۶۷ سوره مائده^(۱۸) و دیگری آیه ۳ سوره مائده^(۱۹) در ارتباط با این رویداد بزرگ است که بر طبق نظر مفسران نام‌آور شیعه و سنی، شأن نزول این آیات، مربوط به واقعه غدیر خم می‌باشد.^{(۲۰)(۲۱)}

هنگامی که کمی بیشتر در مقایسه مفاد این آیات و لحن آنان با سایر آیات قرآن کریم می‌اندیشیم، درمی‌یابیم اگر نگوئیم چنین آهنگ کلامی در میان سایر آیات بی‌نظیر است، لااقل کمتر آیه‌ای را می‌توان یافت که مضامین و لحنی شبیه به این دو آیه داشته باشد. طبیعی است هر مسلمان هنگامی که در تلاوت قرآن بدین دو آیه می‌رسد، شگفت زده از خویش بپرسد این چه امر خطیری است که عدم ابلاغ آن توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، زحمات ۲۳ ساله آن حضرت را تباه می‌گرداند و در این صورت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگز رسالت

خویش را به مردم نرسانده و وظیفه پیامبری را بجای نیاورده است؟ واقعاً این چه پیامی است که خداوند متعال به پیامبر خویش وعده داده است تا او را در زمینه ابلاغ آن، حافظ و نگهدار باشد؟ به علاوه، مگر این موضوع چه اهمیتی دارد که ابلاغ این پیام به امت و پیروی مردم از آن، سبب کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و رضایت پروردگار می‌گردد؟

پس دیگر جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که روز نزول و ابلاغ این امر مهم و خطیر که بدین واسطه، روز اکمال دین و رضایت پروردگار محسوب می‌گردد، دارای اهمیت بسزایی در میان مسلمین خواهد بود.^(۲۲)

از آنچه که گذشت، مشخص می‌گردد علاوه بر مورخان که به تناسب فن خویش (و البته به دلیل اثرات و نتایجی که بر پایه این مطالعه بنا می‌گردد)، به واقعه غدیر نگاهی موشکافانه دارند،^(۲۳) غدیر از آن جهت که حدیثی قطعی و متواتر است و کار یک محدث، شناسایی احادیث معتبر و دقت بر روی مفاهیم آنهاست، مورد توجه محدثین است^(۲۴) و دارای جایگاهی ویژه در کتب مختلف حدیث می‌باشد. به خاطر نزول ۲ آیه ویژه از قرآن کریم درباره این واقعه که القاکننده مفهومی منحصر بفرد و دارای

لحنی کم‌نظیر در میان سایر آیات است، غدیر منشأ بحث‌های گوناگونی در کتب تفسیری می‌باشد.^(۲۵) با تکیه بر مفاهیم این آیات و اثرات شگرف اعتقادی مترتب بر آن، این واقعه منظور نظر مخصوص متکلمان واقع گشته است.^(۲۶) حتی لغویین نیز توجه خاص خویش را به این رویداد مهم معطوف داشته‌اند و به هنگام شرح و توضیح کلمه غدیر خم (که نام محلی است)، به اصل این رویداد اشاره نموده‌اند.^(۲۷) ادیبان و شعرای بسیاری در میان امت اسلامی در طول ۱۴ قرن، از همان لحظه وقوع و در همان صحنه گرفته تا روزگار معاصر، همواره این واقعه بزرگ را در آثار و اشعار خویش، توصیف و تشریح نموده‌اند.^(۲۸)

آنچه که تاکنون ذکر شد، گوشه‌ای از اهمیت رویداد غدیر خم بود که در حد گنجایش این مقاله، به آن اشاره گردید. ما در این مجال به دنبال جستجو و تحقیق درباره این رویداد بزرگ اسلامی و این برهه از حیات رسول اکرم می‌باشیم تا هرچه بیشتر و البته با رعایت اختصار، بتوانیم زوایای گوناگون آن را بررسی نماییم. لذا در ادامه، ابتدا اصل واقعه را به گونه‌ای که در بین مسلمین مشهور و مورد اتفاق است، نقل نموده، سپس به بررسی مفاد حدیث غدیر می‌پردازیم و بر روی مفاهیم آن، هرچه

بیشتر تأمل می‌نماییم و در انتها نیز نتایجی را که به دنبال واقعه غدیر جلوه‌گر می‌گردد و مستلزم توجه ویژه مسلمانان می‌باشد، بر می‌شماریم.

واقعه غدیر خم

پیامبر اکرم بنا بر امر الهی، در سال دهم هجرت تصمیم به زیارت خانه خدا و بجا آوردن حج نمودند؛ لذا مردم را از این امر مطلع کردند^(۲۹) و حتی برای آگاه نمودن اهالی مناطق مختلف، قاصدانی را به آن شهرها گسیل داشتند. فرستادگان حضرت نیز همانگونه که وجود مقدس رسول اکرم خود اعلام نموده بودند، این پیام را به مردم رساندند که این آخرین حج رسول خداست و این سفر دارای اهمیت فراوانی است. هر کس که توانایی و استطاعت آن را دارد، بر او لازم است که پیامبر اکرم را در این سفر همراهی نماید. گرچه رسول اکرم با همراهی عده‌ای از اصحاب خویش پیش از این، اعمال عمره مفرده را انجام داده بودند،^(۳۰) اما این نخستین بار و تنها مرتبه‌ای در طول حیات طیبه پیامبر اسلام بود که بنا بر امر الهی، حضرت تصمیم به بجا آوردن و تعلیم مناسک حج گرفتند. پس از این اعلام، جمعیت کثیری در مدینه

جهت همراهی با رسول خدا و بجای آوردن اعمال حج، مجتمع گشتند. مورخان و صاحب‌نظران از این سفر رسول خدا با عنوان **حجّة الوداع**^(۳۱)، **حجّة الاسلام**، **حجّة البلاغ**^(۳۲)، **حجّة الکمال و حجّة التمام**^(۳۳) یاد می‌نمایند.

رسول اکرم با پای پیاده و در حالیکه غسل نموده بودند، در روز شنبه ۲۴ یا ۲۵ ذی‌قعدة به همراه همراهان خود و اهل‌بیت گرامیشان و عامه مهاجرین و انصار و جمعیت کثیری که گرداگرد حضرت اجتماع کرده بودند، به قصد بجای آوردن مناسک حج از مدینه خارج گشتند. تعداد جمعیتی که به همراه حضرت از مدینه خارج شده بودند را بین ۷۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ (و حتی برخی بیشتر از ۱۲۰۰۰۰) نقل نموده‌اند؛^(۳۴) اما افراد بسیاری به غیر از این عده، نظیر اشخاصی که در مکه مقیم بودند و یا اشخاصی که از شهرهای دیگر خود به مکه آمده و در آنجا به حضرت ملحق شدند، به همراه پیامبر و با اقتدای به ایشان مناسک حج را در این سفر بجای آورده و رسول خدا را همراهی نمودند. امام علی، پیش از تصمیم پیامبر برای بجای آوردن مناسک حج، از طرف ایشان برای تبلیغ اسلام و نشر معارف الهی به جانب یمن فرستاده شده بودند؛ اما هنگامی که از تصمیم پیامبر برای سفر حج و لزوم همراهی

سایر مسلمین با آن حضرت در این سفر، آگاه گشتند، به همراه عده‌ای از یمن به سمت مکه حرکت نمودند و در آنجا پیش از آغاز مناسک، به رسول اکرم ملحق شدند. (۳۵)

رسول خدا و همراهیان آن حضرت، در میقات مسجد شجره مُحرم گشتند و بدین ترتیب اعمال حج را آغاز نمودند. گرچه اصول و کلیات مناسک حج قبلا و به هنگام نزول آیات مربوطه، توسط رسول اکرم توضیح داده شده بود، اما در این سفر، پیامبر این اعمال را به طور عملی برای مردم آموزش داده و جزئیات را برای آنان تبیین نمودند و در مواقف گوناگون، با ایراد خطابه، مردم را نسبت به سایر تکالیف الهی و وظایف شرعیشان آگاهی بخشیدند.

سرانجام اعمال حج، پایان یافت و پیامبر اکرم به همراه جمعیت کثیری که ایشان را همراهی می‌نمودند، شهر مکه را ترک نمودند و رهسپار مدینه شدند که در بین راه به محل غدیر خم رسیدند.

غدیر در لغت به معنای آبریز و مسیل،^(۳۶) و غدیر خم در جغرافیا، نام محلی است که به خاطر وجود برکه‌ای در این محل، که در آن آب باران جمع می‌شده است، به این نام (غدیر خم) شهرت یافته است. غدیر در ۳ - ۴ کیلومتری جحفه واقع شده و جحفه در ۶۴ کیلومتری مکه قرار دارد که یکی از میقاتهای پنجگانه می‌باشد. در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می‌شود.^(۳۷) غدیر خم به علت وجود مقداری آب و چندین درخت کهنسال، محل توقف و استراحت کاروانیان واقع می‌شد اما دارای گرمایی طاقت فرسا و شدید بود.^(۳۸)

هنگامی که رسول اکرم در روز ۱۸ ذی‌الحجه به وادی غدیر خم رسیدند و پیش از جدایی اهالی شام، مصر و عراق از میان جمعیت، جبرئیل امین از جانب خداوند بر ایشان نازل گردید و آیه: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»^(۳۹) را نازل نمود و از جانب حق تعالی، رسول اکرم را امر نمود تا حکم آنچه را که در قبل بر پیامبر درباره امام علی نازل گشته بود، به مردم ابلاغ نمایند. در این هنگام، پیشتازان کاروان و افرادی که جلوتر حرکت می‌نمودند، حوالی جحفه رسیده بودند. رسول اکرم پس از نزول

آیه، دستور توقف کاروانیان را صادر نمودند و امر فرمودند تا آنانی که پیشاپیش حرکت می‌نمودند، به محل غدیر بازگردند و افرادی که در پس قافله، عقب مانده بودند، سریعتر به کاروان در این وادی، ملحق شوند.^(۴۰) همچنین به چند تن از صحابه دستور دادند تا فضای زیر چند درخت کهنسال را که در آن محل قرار داشتند، آماده نمایند؛ خارها را از زمین برکنند و سنگهای ناهموار موجود در زیر آن درختان را جمع‌آوری نمایند. در این هنگام، زمان به جای آوردن نماز ظهر فرارسید و رسول اکرم فریضه ظهر را در گرمای شدید،^{(۴۱)(۴۲)} به همراه جمعیت کثیر حاضر، ادا نمودند. شدت گرما در وادی غدیر به حدی بود که اشخاص، گوشه‌ای از ردا و لباس خویش را برای در امان بودن از شدت تابش آفتاب، بر سر می‌افکندند و مقداری از آنرا برای کاستن از شدت گرمای شنها و سنگها، در زیر پای خویش می‌گسترده‌اند.^(۴۳) رسول خدا نیز پارچه‌ای بر روی شاخسار آن درختان کهن افکندند تا مانعی در برابر حرارت موجود و تابش خورشید، ایجاد نمایند. هنگامی که حضرت از نماز فارغ گشت، از جهاز شتران، در همان محلی که به فرمان رسول خدا توسط صحابه آماده شده بود، منبری ساختند و وجود مقدس پیامبر اکرم بر فراز آن در آمدند و شروع

به ایراد خطبه، با صدایی بلند و رسا نمودند؛ در حالیکه جمعیت فراوان همراه پیامبر، بر گرداگرد حضرت جمع گشته بودند و به سخنان نبی اکرم گوش فرا می دادند و برخی از افراد نیز برای آنکه همگان از کلام رسول خدا مطلع گردند، سخنان آن حضرت را با صدایی بلند برای افرادی که دورتر قرار داشتند، تکرار می نمودند.

خطابه حضرت در میان جمعیت بدین گونه ایراد گردید:

« حمد و ستایش مخصوص خداوند است و از او یاری می خواهیم و به او ایمان داریم و از شرور نفسهایمان و زشتیهای کردارمان، به او پناه می بریم؛ خداوندی که هدایتگری وجود ندارد برای کسانی که گمراهشان نماید و گمراه کننده‌ای وجود ندارد برای اشخاصی که او هدایتشان نماید و شهادت می دهم که جز خدا، معبودی نیست و محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده اوست و اما بعد؛ ای مردم، خداوند لطیف و خبیر (دارای لطف فراوان و بسیار آگاه) مرا خبر داد که من به زودی (به سوی او) فرا خوانده می شوم و (دعوت او را) اجابت خواهم نمود.^(۴۴) من مسئول هستم و شما نیز مسئولید. پس (درباره دعوت و مسئولیت من) چه می گوئید؟ »

حاضران در پاسخ گفتند: « شهادت می‌دهیم که دعوت خویش را ابلاغ نمودی و

نصیحت کردی و کوشش نمودی، پس خداوند شما را جزای خیر دهد.»^(۴۵)

سپس رسول خدا فرمودند: « آیا شهادت نمی‌دهید که معبودی جز خدا نیست و

محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده اوست؟ و (آیا شهادت نمی‌دهید که)

بهشت و دوزخ خداوند، حق است و مرگ، حق است و قیامت می‌آید و در آن شکی

نیست و خداوند کسانی را که در قبرها هستند مبعوث می‌گرداند؟»

حاضران گفتند: « بله ای رسول خدا، شهادت می‌دهیم.»

سپس در ادامه، رسول اکرم خداوند را بر این امر شاهد گرفتند و از مردم پرسیدند: «

آیا (کلام مرا) می‌شنوید؟»

حاضرین گفتند: « بله یا رسول الله.»^(۴۶)

پس حضرت فرمودند: « من پیش از شما در کنار حوض (کوثر) حاضر می‌گردم و

شما در کنار آن بر من وارد می‌گردید و عرض آن به اندازه فاصله مابین بصری

(شهری در حوالی شام) و صنعا (شهری در یمن) می‌باشد. در آن قدحهایی به تعداد

ستارگان، از جنس نقره است؛ پس بنگرید که پس از من چگونه درباره ثقلین (دو شیء گرانبها) رفتار می‌نمایید.»

در این هنگام فردی ندا داد که « ثقلین چه هستند ای رسول خدا؟ »

رسول اکرم فرمودند: « ثقل اکبر کتاب خداست. جانبی از آن بدست خداوند و جانب دیگر آن در دستان شماست. پس به آن متمسک شوید. (آنها گرفته و از هدایت آن بهره برید.) که اگر به آن تمسک جویند، گمراه نمی‌شوید و ثقل دیگر و کوچکتر، عترت من هستند. خداوند لطیف خبیر مرا خبر داد که این دو ثقل تا هنگامی که در کنار حوض بر من وارد شوند، از یکدیگر جدا نمی‌گردند^(۴۷) و من این را از پروردگارم مسئلت نموده‌ام. پس، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می‌گردید و از این دو، باز نمانید که هلاک می‌شوید.^(۴۸)»

سپس رسول خدا، دست امام علی را بلند نمود تا همه مردم، ایشان را در کنار رسول خدا مشاهده نمودند.^(۴۹) در این هنگام رسول اکرم از حاضرین پرسیدند: « ای مردم،

آیا من از خود شما، بر شما اولی و مقدم‌تر نیستم؟ »^{(۵۰)(۵۱)}

مردم پاسخ دادند: « بله، ای رسول خدا.»^(۵۲)

حضرت در ادامه فرمودند: «خداوند ولی من است و من ولی مؤمنین هستم و من

نسبت به آنان از خودشان اولی و مقدم می‌باشم.»^(۵۳)

آنگاه فرمودند: « پس هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.»^(۵۴)، رسول

خدا ۳ بار این جمله را تکرار نمودند^(۵۵) و فرمودند: «خداوند، دوست بدار و

سرپرستی کن، هر کسی که علی را دوست و سرپرست خود بداند و دشمن بدار هر

کسی که او را دشمن می‌دارد^(۵۶) و یاری نما هر کسی که او را یاری می‌نماید و به

حال خود رها کن، هر کس که او را وا می‌گذارد.»^(۵۷)

سپس خطاب به مردم فرمودند: «ای مردم، حاضرین به غایبین (این پیام را)

برسانند.»^(۵۸)

هنوز جمعیت متفرق نگشته بودند که بار دیگر جبرائیل نازل شد و از جانب خداوند،

آیه: « **اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الإسلام دينا**»^(۵۹)

را بر پیامبر فرو فرستاد. هنگامی که این آیه نازل گردید، نبی اکرم فرمودند: «الله اکبر

بر کامل شدن دین و تمام گشتن نعمت و رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت

علی پس از من.»^(۶۰)

در این موقع، مردم به امیر مؤمنان، امام علی (علیه السلام) تهنیت گفتند. از جمله

کسانی که پیشاپیش سایر صحابه، به امام علی تهنیت گفتند، ابوبکر و عمر بودند. عمر

پیوسته خطاب به امیر مؤمنان می‌گفت: «بر تو گوارا باد ای پسر ابیطالب، تو مولای

من و مولای هر مرد و زن با ایمان گشتی.»^(۶۱)

در این هنگام، حسان بن ثابت که از شعرای زبردست بود از رسول اکرم (صلی الله

علیه و آله و سلم) اجازه خواست تا آنچه را که در این موقف درباره امام علی (علیه

السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده است، در ضمن ابیاتی

بسراید. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «به برکت الهی، بگو.»

حسان، خطاب به بزرگان قریش گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و

امضای پیامبر گوش کنید.» و این چنین سرود:

«در روز غدیر پیامبرشان با بانگ بلند ندایشان در داد، غدیری که در سرزمین خم
قرار داشت و ای کاش مردم جهان بودند و رسول خدا را در حال ندا می‌دیدند که
می‌فرمود: آیا من سرپرست و ولی شما نیستم؟»

مردم در پاسخ او بدون هیچ پرده پوشی گفتند: معبود تو، مولای ما و تو ولی ما
هستی؛ و تو ای خواننده شعر، اگر در آنجا بودی، حتی یک نفر هم مخالف نمی‌یافتی.
در این هنگام رو به علی بن ابیطالب کرد و فرمود: یا علی، برخیز که من تو را برای
امامت و هدایت خلق بعد از خود (و از جانب خداوند) شایسته دیدم.»^(۶۲)